



An Examination of the Principle of Honoring Divine Symbols in Relation to the Presence and Activities of Religious and Sectarian Minorities in the Islamic Republic of Iran¹



Abolfazl Nourian¹

Mohammad Mahdi Zare'ei²

Ali Akbar Jahani³

1. PhD Candidate in Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

alaviesayyedali1@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

m.zarei@umz.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

ali85akbar@yahoo.ir

Abstract

The Islamic Republic of Iran, in its domestic political interactions with religious minorities (Jews, Christians, and Zoroastrians), requires a comprehensive framework and strategy that, while preserving the legal identity of these minorities, also maintains national unity and interests, and utilizes their potential in line with its revolutionary ideals and goals. On the other hand, the presence of religious minorities within the fabric of Iranian society has a history spanning several millennia, and separating them from the Muslim population is impractical. Accordingly, after the Islamic Revolution, not only was their presence and activity legitimized and legalized, but specific behavioral policies were also adopted to benefit from their capacities. This study seeks to examine the relationship

1. **Cite this article:** Nourian, A., Zarei, M. M., & Jahani, A. A. (2023). An Examination of the principle of honoring divine symbols in relation to the presence and activities of religious and sectarian minorities in the Islamic Republic of Iran. *Fiqh and Politics*, 4(7), pp. 113-142. [In Persian]. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71511.1064>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2025/04/07 • **Revised:** 2025/04/27 • **Accepted:** 2025/07/15 • **Published online:** 2025/09/07

between the principle of honoring divine symbols (*ta'zim sha'a'ir Allah*) and the presence and activities of minorities by analyzing sources, legal texts, and examples of the application of this principle, alongside relevant legal provisions concerning their rights and activities. The participation and support of minorities in major political events—such as honoring resistance leaders, condemning unrest and terrorist incidents (Shah Cheragh, Kerman, Sistan and Baluchestan), and participating in or encouraging participation in religious and national demonstrations (Quds Day, February 11)—are examples of the peaceful coexistence of minorities with the Muslim community. The Islamic Revolution has been able to utilize the presence of minorities effectively to honor divine symbols and realize its objectives and ideals. This research adopts a descriptive-analytical approach, using a comparative type of study and a theory-based analytical method for data analysis.

Keywords

Principle of honoring divine symbols, religious and sectarian minorities, Constitution of the Islamic Republic of Iran, governance-oriented jurisprudence, political jurisprudence.

فحص وبحث حول قاعدة تعظيم شعائر الله فيما يتعلق بحضور ونشاط

الأقليات الدينية والمذهبية في الجمهورية الإسلامية الإيرانية^١

أبو الفضل نوريان^١ محمد مهدي زارعي^٢ علي أكبر جهاني^٣

١. طالب دكتوراه في الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران (المؤلف المسؤول).

Email: alaviesayyedali@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران.

Email: m.zarei@umz.ac.ir

٣. أستاذ مساعد، قسم الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران.

Email: ali85akbar@yahoo.ir

الملخص

تستلزم الجمهورية الإسلامية الإيرانية، في إطار تفاعلاتها الداخلية مع الأقليات الدينية (اليهودية، المسيحية، والزرادشتية)، اعتماد إطار عمل شامل ومتكامل يضمن الحفاظ على الشخصية القانونية لهذه الأقليات، مع صون الوحدة الوطنية والمصالح العليا للبلاد، والاستفادة من وجودهم في تحقيق الأهداف والثواب الثورية. من جانب آخر، يتمتع وجود الأقليات الدينية في النسيج الاجتماعي الإيراني بتاريخ عريق يمتد لآلاف السنين، مما يجعل فصلهم عن المجتمع المسلم أمراً غير ممكن. وبناءً على ذلك، وبعد انتصار الثورة الإسلامية، اكتسب حضورهم ونشاطاتهم المشروعية القانونية، وتم وضع سياسات سلوكية محددة للاستفادة من قدراتهم. تهدف هذه الدراسة إلى فحص المصادر والوثائق وأمثلة قاعدة "تعظيم الشعائر الإلهية"، مع الالتفات إلى المواد القانونية المتعلقة بصلاحيات

١. الاستناد إلى هذه المقالة: نوريان أبو الفضل؛ زارعي، محمد مهدي؛ جهاني، علي أكبر. (١٤٠٢ هـ). فحص وبحث حول قاعدة تعظيم شعائر الله فيما يتعلق بحضور ونشاط الأقليات الدينية والمذهبية في الجمهورية الإسلامية الإيرانية، الفقه والسياسة، ٤ (٧)، صص ١١٣-١٤٢.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71511.1064>

■ نوع المقالة: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب إعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

■ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٤/٠٧ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٤/٢٧ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٧/١٥ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٩/٠٧

ونشاطات هذه الأقليات، لبحث العلاقة بين قاعدة تعظيم الشعائر وحضور ونشاط الأقليات. تُعد مشاركة الأقليات ودعمهم في القضايا السياسية الهامة، مثل تكريم قادة جبهة المقاومة، وإدانة الاضطرابات والحوادث الإرهابية (شاهچراغ، کرمان، سیستان وبلوشتان)، وتشجيعهم على المشاركة في المسيرات الدينية والوطنية (يوم القدس، ۲۲ بهمن)، نماذج بارزة للتعايش السلمي بين الأقليات والمجتمع المسلم. وقد نجحت الثورة الإسلامية في توظيف قدرات الأقليات لتعظيم الشعائر الإلهية وتحقيق أهدافها ومثلها العليا. اعتمدت هذه الدراسة على المنهج الوصفي-التحليلي، مع استخدام البحث المقارن ومنهج تحليل النظرية الأساس لتحليل البيانات.

الكلمات المفتاحية

قاعدة تعظيم الشعائر الإلهية، الأقليات الدينية والمذهبية، دستور الجمهورية الإسلامية الإيرانية، الفقه الحكومي، الفقه السياسي.



بررسی قاعده تعظیم شعائر الهی نسبت به حضور و فعالیت

اقلیت‌های دینی و مذهبی در ج.ا.ایران^۱

ابوالفضل نوریان^۱ محمد مهدی زارعی^۲ علی اکبر جهانی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران (نویسنده مسئول).

Email: alaviesayyedali@gmail.com

۲. دانشیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران.

Email: m.zarei@umz.ac.ir

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران.

Email: ali85akbar@yahoo.ir

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، در تعاملات خود در عرصه سیاست داخلی نسبت به اقلیت‌های دینی (کلیمیان، مسیحیان و زرتشتیان)، نیازمند چارچوب و برنامه‌ای جامع و کامل بوده تا بتواند در عین حفظ شخصیت حقوقی اقلیت‌ها، با حفظ وحدت و منافع ملی، از ظرفیت وجودی آنها در راستای آرمان و اهداف انقلابی خود بهره‌مند شود. از سوی دیگر حضور اقلیت‌های دینی در بافت جامعه ایرانی، دارای سابقه‌ای چند هزار ساله بوده و تفکیک آنها از جامعه مسلمین غیر ممکن است. از این‌رو پس از انقلاب اسلامی، ضمن مشروعیت و قانونی شدن حضور و فعالیت‌های آنان، در جهت بهره‌مندی از ظرفیت آنها، سیاست‌های رفتاری مشخص و معین اتخاذ شده است. پژوهش حاضر در صدد است با بررسی منابع، مستندات و مصادیق قاعده تعظیم شعائر الهی و توجه به مواد قانونی پیرامون اختیارات و فعالیت‌های آنها، نسبت بین قاعده تعظیم شعائر و حضور و فعالیت اقلیت‌ها را مورد پژوهش قرار دهد. حضور و حمایت اقلیت‌ها در موضوعات مهم سیاسی از جمله تجلیل و تکریم رهبران جبهه مقاومت، محکومیت اغتشاشات و حوادث

۱. **استاد به این مقاله:** نوریان، ابوالفضل؛ زارعی، محمد مهدی؛ جهانی، علی اکبر. (۱۴۰۲). بررسی قاعده تعظیم شعائر الهی نسبت به حضور و فعالیت اقلیت‌های دینی و مذهبی در ج.ا.ایران. فقه و سیاست، (۷)۴، صص ۱۱۳-۱۴۲.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.71511.1064>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

تروریستی (شاهچراغ، کرمان، سیستان و بلوچستان)، حضور و تشویق جهت شرکت در راهپیمایی های دینی و ملی (روز قدس، ۲۲ بهمن) نمونه های همزیستی مسالمت آمیز اقلیت ها با جامعه مسلمین بوده و انقلاب اسلامی توانسته است از ظرفیت اقلیت ها در راستای تعظیم شعائر الهی و تحقق اهداف و آرمان های خود به نحو شایسته بهره مند شود. در این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با نوع تحقیق تطبیقی و روش تحلیل نظریه مبنا برای تحلیل داده ها استفاده شده است.

کلیدواژه ها

قاعده تعظیم شعائر الهی، اقلیت های دینی و مذهبی، قانون اساسی ج.ا.ایران، فقه حکومتی، فقه سیاسی

مقدمه

قواعد فقهی مبانی و اساس رفتاری برای اداره جامعه اسلامی بوده و این مبانی از لسان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تعریف شده است. این مبانی به حدی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده که سیاست‌های کلی نظام از این قواعد و اصول فقهی تنقیح شده است. قاعده تعظیم شعائر الهی که از آیات و روایات مختلف استنباط شده است از جمله این قواعد بوده و اساس فعالیت‌های دینی و مذهبی ج.ا.ایران براساس همین قاعده است. در مرحله عمل و رفتار با اقلیت‌های دینی و مذهبی و مواجهه با حضور و فعالیت‌های آنان می‌تواند به عنوان یک چالش محسوب شده و اگر چارچوبی درست و منطقی تعریف نشود، موجب بروز رفتارهای هنجارشکن می‌شود.

از طرفی این واقعیت انکار ناپذیر است که اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و دینی با گرایش‌های مختلف در اقصی نقاط کشورهای مختلف در دنیا وجود دارند. با قطعیت می‌توان ادعا کرد که امروزه نمی‌توان کشوری را پیدا کرد که تمام اتباعش از افراد بومی تشکیل شده باشد و در آن کشور، اقلیت، مفهومی نداشته باشد. از طرفی، می‌توان پذیرفت در عصر کنونی که تمام کشورها سعی می‌کنند جایگاه خود را از نظر حقوق بشر ارتقاء بخشیده و خود را در راستای رعایت حقوق اقلیت‌ها معرفی کنند؛ به همین خاطر رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند یکی از معیارهای مهم در معرفی جایگاه یک کشور در عرصه جهانی باشد.

جمهوری اسلامی ایران هم مانند سایر کشورها اتباع غیر ایرانی دارد که تحت عنوان اقلیت تعریف می‌شوند. در ایران برخلاف کشورهای دیگر که دارای انواع اقلیت‌ها هستند، به دلیل تکیه حاکمیت بر دین و مذهب، فقط اقلیت دینی مورد شناسایی قرار گرفته و صرفاً برای این دسته از اقلیت‌ها حقوق مشخص تعریف شده است؛ از این رو قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌ها، نژادها و زبان‌های مختلف اقلیت تعریف نشده و صرفاً مثل سایر مردمان به محسوب شده‌اند.

در این نوشتار به بررسی حقوق اقلیت‌ها در نظام حقوقی ایران با تکیه بر قانون اساسی و مصوبات مراکز قانونی تأکید کرده و در نهایت رابطه این حقوق را با قاعده فقهی

تعظیم شعائر الهی مورد بررسی قرار گرفته و حضور و نحوه فعالیت آنها در راستای سیاست‌های داخلی و خارجی ج.ا.ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوال اصلی

رابطه قاعده تعظیم شعائر الهی نسبت به حضور و فعالیت اقلیت‌های دینی و مذهبی در ج.ا.ایران چگونه است؟

سوالات فرعی

اقلیت‌های دینی و مذهبی در متون دینی و قانونی دارای چه حقوقی هستند؟
تعامل اقلیت‌ها نسبت به اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

ادبیات علمی پیرامون این موضوع را می‌توان در دو بخش تقسیم و بررسی کرد:

۱. ادبیات پژوهش پیرامون قاعده شعائر الهی

۱- رحیمی، مرتضی (۱۳۸۸)؛ با نگاهی فقهی و دقت خود در مفاد قاعده تعظیم، تمرکز اصلی خود را نسبت به آیه ۳۰ سوره حج اختصاص داده است و این آیه را به عنوان دلیل و مستند اصلی قاعده مذکور می‌داند. از این رو بعد از بررسی کامل، روایاتی که در مفاد و مضمون آن، ائمه اطهار علیهم‌السلام به آیه مذکور استناد کرده‌اند، ذکر شده و بررسی دلالتی و سندی آن صورت می‌گیرد. در بخش نهایی موارد و مصادیق فقهی که قاعده تعظیم می‌تواند بر آن تطبیق داشته باشد، ذکر شده و هر یک به فراخور خود مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲- صرامی، سیف الله (۱۳۹۸)؛ در صدد بازخوانی دلیل تعظیم شعائر؛ حکم، موضوع و متعلق ادله و مستندات قاعده تعظیم می‌پردازد. در واقع نویسنده در مقاله مذکور صرفاً رویکردی فقهی و ادبی داشته و مبانی و مستندات این قاعده را بررسی می‌کند. از این رو با تأکید بر مبانی مفهومی و نظری خود قاعده مطالب خود تنظیم و بررسی می‌کند. مقاله حاضر با جمع بندی مطالب خود، تعظیم شعائر را حکمی مستقل و فراتر از حرمت اهانت

به شعائر تعریف کرده و شعائر را نیز به لحاظ موضوع شامل همه نمادهای منسوب به خداوند متعال (اعم از اعتباری و حقیقی) تعریف می‌کند؛ در نتیجه شمول این قاعده را با نگاهی خاص تعریف می‌کند.

۳- اسلامیان، محمد مهدی، مقیمی حاجی، ابوالقاسم (۱۴۰۲)؛ الزامات اجرای قاعده تعظیم شعائر را در عرصه‌های حکمرانی بررسی می‌کند. نویسندگان بعد از بررسی مباحث ادبی و فقهی پیرامون قاعده تعظیم شعائر، این قاعده را با رویکردی در مباحث فقه حکومتی داشته باشد. در واقع نویسندگان در مرحله قانون‌گذاری و مدیریت ج.ا.ایران این قاعده را به عنوان یک پیشفرض در نظر گرفته و اثرات مهم این قاعده را بررسی می‌کند. بررسی عرصه‌های سیاست‌های داخلی، خارجی، روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاری را مورد توجه قرار داده و در جمع بندی نهایی پیشنهاد تأسیس یک نهاد مستقل برای اجرای قاعده تعظیم در عرصه‌های مختلف داده می‌شود.

۲. ادبیات پژوهش پیرامون اقلیت‌های مذهبی

۱- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۲)؛ ابتدا به تعریف و جایگاه اقلیت‌ها در قانون اساسی و سایر متون قانونی پرداخته و سپس حقوق مصوب برای آنها را بررسی کرده است. حقوق آنها به تفکیک در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را به نحو اختصار بیان کرده و هر یک را درخور شایسته تعریف و توضیح داده است. مصوبات مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان منابع تکمیلی بوده است که نویسنده از آن کمک گرفته و موضوع خود را شرح و تفصیل داده است. رویکرد نویسنده صرفاً در مقام تعریف و توضیح بوده و جنبه تطبیقی و مقایسه‌ای ندارد.

۲- آریامنش، بشیر (۱۳۹۰)؛ در مقاله خود با تأکید و تسلط خود بر متون لاتین، حقوق و جایگاه اقلیت‌ها را در اسناد و متون حقوقی بین‌المللی بررسی کرده و با تقسیم مقاله خود در دو سطح، حقوق اقلیت‌ها را در متون حقوقی داخلی و خارجی بررسی کرده است. نتیجه این مقایسه و مطالعه تطبیقی بدین گونه است که تقریباً تمامی حقوق تعریف شده برای اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی در متون قانونی ج.ا.ایران که نشأت

گرفته از متون و مستندات دینی است، یکسان بوده و نویسنده توانسته است روندی یکسان از این دو منبع متفاوت را نشان داده و همانندی آن را برای خواننده ترسیم کند.

۳- پروین، خیرالله؛ سپهری‌فر، سیما (۱۳۹۳)؛ با تمرکز بر قانون اساسی و سایر مصوبات قانونی به بررسی حقوق اقلیت‌های مذهبی پرداختند. نویسنده در قسمت اول حقوق عمومی را بررسی کرده و در قسمت نهایی خود حقوق خاص اقلیت‌ها به ترتیب از کلیمیان، مسیحیان و زرتشیان پرداخته است. ایشان با بیان اماکن و دارایی‌های هر یک از این گروه‌ها به بازخوانی حقوقی آنها پرداخته است. از این‌رو در این مقاله صرفاً با نگاهی قانونی (فارغ از بررسی متون و مستندات دینی) به بررسی مسئله مذکور پرداخته است.

با توجه به پیشینه مطرح شده، پژوهش حاضر درصدد تعریف اقلیت‌ها در متون قانونی و دینی بوده و با توجه به مبانی مفهومی خود، جایگاه و حقوق آنان در عرصه‌های مختلف به ترتیب بررسی خواهد شد. همچنین در قسمت مبانی نظری، مستندات و ادله قاعده تعظیم شعائر بررسی شده و سپس با رویکردی تطبیقی به بررسی این مطلب پرداخته می‌شود که آیا همین حضور، فعالیت و تصویب حقوق مختلف برای اقلیت‌ها منافاتی با تعظیم شعائر الهی است؟ چرا که حداقل اثر این اقلیت‌ها این است که در مقابل و عرض معارف دینی در عرصه اجتماعی خواهد بود. از این‌رو پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی خود دارای نوآوری بوده و می‌تواند از این حیث ارزش علمی بسزایی در مرحله بینش و کنشگری داشته باشد.

مبانی مفهومی

۱. شعائر الهی

معنای لغوی شعائر، شعائر از ماده «ش ع ر» بر گرفته شده و جمع مکسر برای یکی از کلمات شعار (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۹۸) یا شعیره یا شعار دانسته شده است. این ماده دارای دو معنای اصلی می‌باشد: معنای اول، نبات به معنی رویدنی می‌باشد (فیروز آبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲۷)، دیگر معنای اصلی ماده «ش ع ر» علم و عَلم می‌دانند، از این معنا

کلمات مختلفی مشتق شده است، مثل شعار به معنای آنچه در جنگ، گروه را با آن صدا می‌زنند تا از دیگران شناخته شود، می‌باشد (فیروز آبادی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۴).

یکی از احتمالات نسبت به مفرد کلمه شعائر، لفظ شعار است که به معنای علامت (مدنی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۱۷۶) یا علامت در جنگ و سفر می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۴). دیگر احتمال برای مفرد شعائر، لفظ شعیره است که از معروف‌ترین معانی آن مطلق علامت (مدنی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۱۷۶) و علامت و نشان راه (همان) است و احت‌مال سوم در مفرد کلمه شعائر، لفظ شعاره به معنای علامت و نشانه است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۵۰).

اما نسبت به معنای اصطلاحی شعائر، اقوال مختلفی قابل شناسایی است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳۰، ص ۱۲۲)؛ اما بهترین قول این است که شعائر دارای سه ویژگی است: علامت است، هدف از علامت بودن، ارشاد به سوی طاعت است و این امر به‌عنوان علامت و شعار جعل و قرار داده شده است (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۳، ص ۱۷۳).

۲. اقلیت‌های دینی و مذهبی

واژه اقلیت از لحاظ لغوی به معنای «کم بودن»، «قسمت کمتر» و در اصطلاح «گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر می‌باشند که از جهت دین و مذهب یا نژاد، از اکثریت متمایز و جدا باشند» (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸۰).

در مسائل حقوقی، اقلیت به گروهی از شهروندان اطلاق می‌شود که به خاطر داشتن ویژگی‌هایی، از گروه اکثریت ممتاز و جدا باشد. معمولاً در گروه اقلیت، به نسبت با موقعیت خود در کشور محل سکونت تعریف می‌شود، البته امکان دارد در یک منطقه بسیار وسیع مانند یک قاره و یا منطقه‌ای کوچک مانند یک استان یا شهری نیز شناسایی و تعریف شود.

در تعریف واژه اقلیت می‌توان به تعریفی که یکی از اندیشمندان حقوقی بیان نموده، توجه کرد که بر طبق آن، اقلیت عبارت است از «گروهی از اتباع یک کشور که از لحاظ ملی، نژادی، زبانی یا مذهبی از دیگر گروه‌های مردم متفاوت بوده، از لحاظ تعداد کم‌ترند و قدرت حکومت را نیز در دست ندارند» (مهرپور، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶).

مبانی نظری

۱. قاعده تعظیم شعائر الهی

۱-۱. مفاد قاعده

با توجه به آیه قاعده تعظیم شعائر (حج، ۳۲) نسبت به رجحان و یا یک حکم امری اعم از وجوب یا حرمت تعظیم شعائر الهی استدلال شده است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۹۷). برای استدلال به قاعده مذکور این گونه استدلال شده است؛ قرآن کریم تعظیم شعائر الهی را ناشی از تقوای قلوب معرفی می‌کند؛ چراکه اگر «من» برای نشو باشد، تکریم نیز محقق شده و صورتی که تعظیم شعائر ترک شود، بدین معنی است که خلاف تقوا است و در هر صورت، اگر انسانی بخواهد از بنیان و در جمیع انواع تعظیم شعائر را نادیده بگیرد و نسبت به آن توجه نکند، تقوای قلب را رعایت نکرده است؛ چراکه طبق اصل مذکور که با انتفای جزء، کل نیز از بین می‌رود و با از بین رفتن یکی از متلازمین، یعنی تعظیم شعائر، لازمه دیگر، یعنی تقوا نیز از بین می‌رود و از طرفی خروج از محدوده تقوا در کمترین مرتبه‌اش که انجام واجبات و ترک محرمات باشد، واجب و ضروری است. لذا برای خارج نشدن از دایره تقوا در مرتبه‌ای که واجب است، ضروری است تا تعظیم شعائر به طور کامل ترک نشده و مرتبه اقل آن تعظیم که ترکش موجب بی‌توجهی و سبک شمردن است، واجب خواهد بود (اراکي، ۱۴۳۹ق، ص ۲۳).

۲-۱. ادله و مستندات قاعده

قرآن کریم اولین و مهمترین مستند در ادله تعظیم شعائر است. در بحث بررسی مستندات قاعده تعظیم شعائر، این آیه مبارکه نقش محوری داشته و مباحث حول آن تبیین و توضیح داده می‌شود، آیه چنین است: «و هر کسی شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند، همانا قطعاً این کار ناشی از تقوی قلوب است» (سوره حج، آیه ۳۰). این آیه در میان آیات مناسک حج قرار دارد.

علامه طباطبایی درباره عمومیتی فراتر از مورد حج برای آیه شریفه این گونه نقل کرده است: برخی گفته‌اند مراد از شعائر در آیه شریفه همه نشان‌هایی است که برای

طاعات و عبادات نهاده شده است، ولی سیاق آیه با این مراد سازگاری ندارد (علامه طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۳۷۳).

واضح است که این سخن بر صرفاً محدود شدن دلالت الفاظ به واسطه سیاق مبتنی است. در واقع کسانی که به این مبنا، آیات و روایات صرفاً در معنا الفاظ استعمال شده خود محدود کرده و نسبت به مصادیق و معنای خارجی آن سکوت و یا بعضی موضع مخالفت اتخاذ کرده‌اند. علامه طباطبایی ذیل همین آیه، این مبنا را مورد نقد قرار داده و در موضوع تعظیم شعائر قائل به بسط و شمول تعظیم شعائر از مورد حج را دارند. سه آیه دیگر در قرآن کریم پیرامون شعائر الله وجود دارد. دو آیه صراحتاً درباره حج اختصاص یافته؛ بدین صورت که آیه اول صفا و مروه را از شعائر می‌داند و در آیه دوم قربانی را به عنوان یکی از مصادیق شعائر الله توصیف کرده است (سوره بقره، آیه ۱۵۸؛ سوره حج، آیه ۳۶).^۲

آیه سوم به لحاظ شمول یا اختصاص به مورد و مصادیقی خاص اختصاص نیافته و صرفاً درباره تکریم و تعظیم شعائر الله سخن گفته است. آیه چنین است: ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر خدا، شهر خدا، قربان بی علامت گردنبد و... را نشکند و پاس بدارید. (سوره مائده، آیه ۲).^۳

برخی از فقها شمول شعائر الله را در این آیه شریفه نسبت به مجموع حدود و فرائض و حلال و حرام خداوند متعال اختصاص داده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۴). اما عده‌ای دیگر با تردید در مراد و منظور این آیه بر این باور هستند که مراد، خصوص نشان‌ها و اعمال حج است (علامه طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۶۲). البته، با فرض عمومیت به

۱. إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

۲. وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَبِيرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرِ اللَّهِ وَلَا السَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقُومَ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

تفاوت بین امر به تعظیم شعائر که در آیه قبل بود با نهی از حلال شمردن حرام‌های الهی در این آیه نیز متفاوت بوده و باید به آن توجه کرد، اما در مقاله حاضر صرفاً بحث پیرامون تعظیم شعائر الهی است.

البته آیه دیگری نیز در بحث حاضر قابل بحث است که موضوع آن تعظیم شعائر نیست، اما می‌توان آن را در جهت آیات بحث حاضر قرار داده و رابطه آن را با آیات تعظیم شعائر مورد بررسی قرار داد. در این آیه ترغیب و تشویق به تعظیم حرمت‌های الهی شده است و هر کسی حرمت‌های خدا را بزرگ بدارد، پس او نزد پروردگارش بهتر است (سوره حج، آیه ۳۰).

در آیه مذکور حرمت‌های الهی نسبت به حج و دیگر حوزه‌های احکام بسط و گسترش داده و به‌طور کلی آن را به همه موارد به‌عنوان ملاک کلی ترسیم کرده است. برخی از مفسران نیز همین عمومیت را برداشت کرده‌اند؛ چراکه حرمت‌های الهی را به صورت مطلق اموری دانسته‌اند که خداوند از آن نهی کرده و برای آن مقرراتی وضع کرده و از تجاوز و بی‌توجهی به آن دستورات و ارتکاب محرمات منع کرده است (علامه طباطبائی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۳۷۱).

عده‌ای از فقها این آیه را در کنار آیه اصلی بحث حاضر، ناظر به تعظیم شعائر از ادله قاعده حرمت اهانت به محترمت دینی شمرده و حرمت‌های الهی را با شعائر الهی به یک معنا گرفته‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۹۷).

بجنوردی در مقام نتیجه‌گیری در کتاب خود از مستندات و مدارک قاعده حرمت محترمت دینی، عملاً به قاعده وجوب تعظیم محترمت به معنای وجوب حفظ مرتبه و مسائل آن، تسری می‌دهد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۳۰۳).

جمع‌بندی سه آیه مطرح در موضوع تعظیم شعائر این خواهد بود که ادله قرآنی قاعده در بیان حکم کلی تعظیم شعائر هستند و هر یک با توجه به الفاظ و سیاق خود نسبت به این تعظیم دلالت دارند.

نسبت به حرمت اهانت به شعائر و همچنین وجوب تعظیمی که عدم عرفا اهانت به شمار آید، هیچ خدشه و اشکالی نیست. افزون بر آن رجحان عقلی، عقلایی یا

استحباب شرعی برای تعظیم شعائر را می‌توان مورد قبول فقهی شیعه و سنی دانست و آن را به‌عنوان مفروض بحث در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به روایات وارد شده در بحث حاضر، دلالت آیه تعظیم را می‌توان برای وجوب تبیین و تقریر کرد. به این بیان که در صحیحہ معاویہ بن عمار، با سلسله سند و به نقل از امام صادق (علیه السلام) پس از بیان احکامی درباره قربانی در حج با صیغه امر (اصل در امر، ظهور در وجوب است) آمده است: شعائر خداوند را بزرگ بدار (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۹۱؛ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۹۶).

از جهت بررسی حکمی، دلالت صیغه امر بر وجوب در صحیحہ معاویہ بن عمار، تمام و بدون اشکال به نظر می‌رسد، ولی به لحاظ قلمرو موضوع که در اینجا در سیاق احکام قربانی در حج بوده و صرفاً در بحث حج این تعبیر ذکر شده است. نکته قابل توجه این است که ظاهر روایت معاویہ بن عمار به آیه تعظیم شعائر اشاره دارد و هر دو با یک مفاد یکسان از دو منبع متفاوت صادر شده است. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که بیان امام صادق (علیه السلام) در صحیحہ مذکور، صرفاً آیه شریفه را دلیل بر وجوب تفسیر و تعبیر می‌کند.

روایت دیگری در بحث حاضر است که از جهت دلالت بر وجوب کامل است، اما اشکال و خدشه سندی آن سبب می‌شود صرفاً در حد تأیید وجوب تعظیم بوده و نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی قابل اتکا باشد. در این روایت نیز با واژه امر که ظهور در وجوب دارد و به امامان اضافه فاعلی شده و اعمالی واجب خوانده شده‌اند، یکی از این کارها تعظیم شعائر است. در واقع امام با دستور به مجموعی از کارها، امر به تعظیم شعائر الهی را صادر کرده و در مقام امر نسبت به این مسئله توجه داشته‌اند (صفار، ۱۴۰۴، ص ۵۴۸). جمع‌بندی آیات و روایات مذکور این گونه خواهد شد که براساس آیه شریفه تعظیم شعائر و با کمک روایات پیش گفته ناظر به محتوا و دلالت این آیه بر اصل وجوب تعظیم شعائر، حجت شرعی تمام و کامل بوده و از این جهت اشکال و خدشه‌ای ندارد. نکته: ممکن است بعضی از احکام مستحبی در حوزه فقه حکومتی به‌عنوان وجوب تعظیم شعائر بر جامعه اسلامی، تحت عنوان احکام واجب تعریف شود. به‌عنوان مثال،

حکومت اسلامی موظف است مقدمات اعلام و رساندن صدای اذان را از بانگ مساجد برای مردم در شهرهای مختلف فراهم کرده تا صدای اذان و بندگی خدا به همه مردم رسیده و آماده اقامه نماز شوند.

بنابراین نمی‌توان انکار یا توجیه کرد که به توجه مستندات قرآنی و روایی، وجوب تعظیم - افزون بر حرمت اهانت - ثابت بوده و می‌بایست، پیرامون متعلق این حکم (تعظیم و مرتبه واجب آن) بررسی و جمع بندی کرد.

۱-۳. مصادیق قاعده

بی‌تردید، تعظیم و تکریم در عرف مراتبی دارد؛ به‌عنوان مثال، در روایت مذکور، مراتبی از تعظیم، عمل قربانی به‌عنوان یکی از شعائر حج، مطرح شده است؛ از این رو نمی‌توان به وجوب همه مراتب تعظیم ملتزم شد و حکم وجوب تعظیم را نسبت به جمیع مراتب شعائر تسری و گسترش داد.

در این صورت، اگر قرینه‌ای بر تعیین مرتبه یا مراتبی، به‌عنوان متعلق تکلیف، موجود باشد، قاعدتاً به آن عمل خواهد شد و تکلیف از عهده مکلف خارج می‌شود. البته سوال این است که زمانی که قرینه‌ای بر تعیین مرتبه یا مراتبی از متعلق تکلیف وجود نداشته باشد، وظیفه مکلف در مقام عمل چگونه خواهد شد؟ در پاسخ می‌توان گفت وجود مراتب مختلف برای تعظیم به‌عنوان قرینه‌ای بر عدم وجوب تعظیم شعائر بوده البته به شرط اینکه این عدم تعظیم در حد حرمت اهانت تعریف شود.

حال اگر در موضوعی بیان شرعی بیان نداشته باشد، بر معنا و مصادیق عرفی حمل می‌شده و عرف به‌عنوان ملاک و معیار قرار خواهد گرفت؛ چراکه عرف مخاطب اوامر شارع بوده و براساس سطح عرف، دستورات الهی صادر می‌شود. از آنجاکه عرف عام و متشرعه قاعدتاً تحت تاثیر فرهنگ و آموزه‌های دینی اصیل شکل گرفته باشد، به نسبت موضوع و جایگاه آن، تعظیم و تکریم را تصور و تصدیق کرده و در مرحله آخر، طبق آن عمل خواهد کرد (صرامی، ۱۳۹۸، ص ۱۶).

در این فرآیند، ممکن است رفتاری نسبت به یک موضوع، عنوان تعظیم فراتر از

عدم اهانت باشد، اما نسبت به موضوعی دیگر، تنها عدم آن، اهانت باشد و تعظیم فراتر از عدم اهانت محسوب نشود. به بیان دیگر تعظیم یک امر نسبی بوده و میبایست در موارد و مصادیق باتوجه به فهم عرف و جایگاه آن در عرف مردم و متشرعه بررسی شود.

به عنوان مثال، ممکن است اجتناب از انداختن آب دهان در صحن حرم‌های مطهر اهل بیت (علیهم‌السلام)، به عنوان تعظیم این مشاهد مصداقی از شعائر اسلامی، قلمداد شود؛ به گونه‌ای که عدم آب دهان انداختن هم اهانت محسوب نشود، البته همین اجتناب در کنار ضریح مقدس، صرفاً عدم اهانت محسوب می‌شود؛ چراکه آب دهان انداختن در آنجا اهانت است. قاعدتا در آن مکان، تعظیم فراتر از عدم اهانت، رفتار متانت آمیز و همراه با احترام مناسب و ضروری خواهد بود. در نتیجه در همین مشاهد شریف، مکان‌های مختلف (صحن - کنار ضریح) مراتب مختلفی از تعظیم را دارد و بالطبع حکم هر یک نیز متفاوت خواهد شد (صرامی، ۱۳۹۸، ص ۱۷).

نسبت به ملاک و ماهیت شعائر، با تأکید بر عرفی بودن اطلاق شعائر الله، چند عامل به تنهایی یا همراه با عوامل دیگر در تطبیق این عنوان دخیل بوده و باید آنها را در نظر گرفت:

- احترام ویژه: هر موضوعی اعم از افراد یا اعمال یا اشیاء که براساس تعالیم دینی، احترام ویژه‌ای دارد، ممکن است به عنوان شعائر الهی متصف شود. مانند مکان مقدس مثل کعبه، مسجد الحرام، مسجد النبی (صلی الله علیه و آله)؛ یا شی مثل مهر و تسبیح و یا افرادی مثل علما و فقها. در نتیجه هر محترمی در آموزه‌های اسلامی، احترامی در حد شعائر و نشانه بودن ندارد. شدت و ویژه بودن احترام، این مرتبه را می‌آورد.

- اعمال دینی خاص: برخی اعمال دینی مانند حج، نماز جمعه، اذان و.... در عرف متشرعه و دینی، از جمله موارد و مصادیق شعائر الله هستند.

- جعل شعائر الله: برخی مصادیق شعائر الله ناشی از جعل و اعتباراند. قاعدتا مستند و مرجع این جعل باید به لحاظ عرف، فرهنگ و آموزه‌های دینی، چنین صلاحیتی داشته باشد و بتواند این جعل را انجام بدهد. به عنوان مثال در قرآن کریم از جعل قربانی در

حج به عنوان شعائر الله تعریف شده است (سوره حج، آیه ۳۶).

- نسبت تکوینی: برخی از مصادیق شعائر الله نیز ناشی از نسبت تکوینی بین مصداق و خداوند بوده و ربطی به ناحیه تشریع نداشته و فارغ از حیثه امر و نهی قرار دارد. طبق بیان اخیر، شعائر بودن مشاهد مقدسه معصومین در عرف متشرعه‌ای که اقرار به جایگاه ویژه ایشان نزد خداوند متعال دارند، در اثر نسبت تکوینی این جایگاه است؛ در واقع محل قبور اهل بیت (علیهم السلام) قبل از دفن بدن مطهر ایشان از قداستی خاص برخوردار بوده است مثل سرزمین کربلا، نجف، مکه، فلسطین (صرامی، ۱۳۹۸، ص ۲۲).

ملاک‌های پیش گفته نشأت گرفته در آموزه‌های اصیل و ثابت دینی است، البته موارد و مصادیق آنها ممکن است، تحت تاثیر شرایط زمانی و مکانی متفاوت و عوامل مختلف، متغیر باشند.

به عنوان مثال ممکن است پوشش مردان و زنان را در زمان حاضر از شعائر دینی بدانیم که با آن جامعه دینی از غیر دینی متمایز و جدا می‌شود و البته ممکن است، در شرایطی نوع خاصی از پوشش مانند چادر باشد (نه اینکه خود این پوشش و عی تظاهر به زینت شود)، از شعائر دینی قلمداد شود.

در مثال دیگر می‌توان جایگاه و نهاد مرجعیت دینی در مذهب امامیه اشاره کرد. جایگاه عالمی که عملاً محل رجوع و پاسخ‌گویی به سوالات دینی جامعه شیعیان است، بسیار فراتر از عالم دینی غیر مرجع است؛ در نتیجه از شعائر مذهب شیعه در زمان حاضر است.

۲. اقلیت‌های دینی و مذهبی

۲-۱. جایگاه و حقوق اقلیت‌ها در متون دینی و قانونی

قانون اساسی ج.ا.ایران، بدون اینکه تعریفی از اصطلاح اقلیت بیان کند، در اصول ۱۳ (شناسایی اقلیت‌های دینی) و ۲۶ (فعالیت احزاب) و ۶۷ (سوگند نمایندگان مجلس به کتاب آسمانی)، از این واژه استفاده کرده و مطالب خود را در ذیل آن شرح داده است. اصل ۱۳ قانون اساسی که مهمترین اصل در تعریف و شناخت اقلیت‌هاست، در این

خصوص تصریح می‌دارد: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزاد و مختارند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود می‌توانند عمل کنند.

در قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ نیز واژه اقلیت استفاده شده است. براساس ماده ۴ این قانون: «انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت است».

با شناسایی اقلیت‌ها در اصل ۱۳ می‌توان این گونه برداشت کرد که در خصوص اقلیت‌های دینی دیگر، باید به عمومات و اصول قانون اساسی، حقوق بین‌الملل و مبانی تعریف شده در مستندات و مدارک دینی و قراردادهای بین‌المللی مراجعه کرد. در خارج نیز، به جز فرقه ضاله بهائیت، پیروان ادیان و فرقه‌های دینی و اعتقادی دیگر ساکن در ایران، به خاطر ملیت ایرانی خود، از حقوق مساوی و یکسان با سایر اتباع ایرانی برخوردارند.

در تدوین و تصویب اصل ۱۳ قانون اساسی، از آیه ۶۲ سوره بقره استفاده شده که در آن منظور از اهل کتاب را پیروان دین زرتشت و یهود و مسیحیت بیان نموده است: «کسانی که ایمان به خدا آورده‌اند (مسلمانان) و یهود و صابئین و نصاری و مجوس، خداوند بین ایشان و بین کسانی که مشرک شده‌اند روز قیامت فاصله می‌اندازد» (سوره حج، آیه ۱۷).^۱

از این رو شیخ حر عاملی با بیان ۹ روایت، با عنوان «کسانی که باید جزیه پردازند»، اهل کتاب معرفی کرده که با افرادی که در ذیل آیه شریفه آمده است، تطبیق دارد (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، باب ۴۹).

در زمان تدوین و تصویب اصل ۱۳ در مورد تطبیق اهل کتاب بر کلیمیان و مسیحیان با وجود نص صریح قرآن، هیچ ابهامی وجود ندارد، البته درباره مجوسان که در آیه

۱. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

فوق از آنها نامبرده شده، سوالات بسیاری وجود داشته که با استناد به روایت امام صادق (ع)، مجوسیان نیز در زمره اهل کتاب قرار گرفتند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۲).

۲-۲. حقوق اقلیت‌ها در متون دینی و قانونی

۱-۲-۲. حقوق سیاسی

۱-۲-۲-۱. نمایندگی در مجلس شورای اسلامی

یکی از مهمترین حقوق سیاسی‌ای که اقلیت‌ها در ایران دارند، حق حضور و داشتن نماینده در مجلس شورای اسلامی است. این حق در اصل ۶۴ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. طبق این اصل مهم، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده؛ مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال نیز هر کدام یک نماینده در مجلس شورای اسلامی داشته و هر یک از این نمایندگان پاسدار و حافظ خود پیرامون دین خود هستند.

۲-۲-۲-۲. حق داشتن انجمن و احزاب قانونی

مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی اقلیت‌های دینی این حق را دارند طبق ضوابط و شرایط، دارای جمعیت و انجمن باشند. افزون بر این در ماده ۴ قانون فعالیت احزاب، مصوب ۱۳۶۰ آمده که انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسایل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد. به تشکیلات و سازمان اقلیت‌های دینی توسط کمیسیون ماده ۱ احزاب وزارت کشور مجوز داده می‌شود. اسناد بین‌المللی در خصوص حق بر داشتن تجمع و احزاب نیز این مطلب را تأیید کرده و در بخشی از محتوای خود به آن اشاره دارد.

همچنین ماده ۲۲ میثاق مدنی سیاسی با تغییری اندک نسبت به اعلامیه این گونه بیان می‌کند «هر کسی این حق را دارد که اجتماع آزادانه با دیگران را داشته باشد؛ از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.»

۲-۲-۲. حقوق فرهنگی و اجتماعی

در قانون اساسی اصلی که رعایت حقوق اجتماعی اقلیت‌ها را تضمین و تأکید می‌کند، اصل ۱۹ قانون اساسی است. مطابق مفاد این اصل «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بو». شبیه محتوای این اصل در برخی اسناد مهم بین‌المللی مانند «اعلامیه جهانی حقوق»، «میثاق مدنی - سیاسی»، «کنوانسیون اروپایی حقوق»، «منشور سازمان ملل بشر» و «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی» نیز بشر بیان شده که نسبت به یکسان بودن حقوق اولیه انسان‌ها با اختلاف ویژگی‌های مختلف تصریح می‌کند.

از آنجا که شریعت اسلام بر تمام قوانین کشوری حکومت دارد و در آیه ۱۳ سوره حجرات ملاک برتری و ارزش برای افراد را صرفاً براساس تقوا مطرح کرده و ویژگی‌هایی همچون رنگ، نژاد و... ملاک نبوده است، موجب تصویب اصل ۱۰ قانون اساسی بوده که دقیقاً مفاد همین آیه شریفه را تصریح و تأیید می‌کند.

۲-۲-۲-۱. آموزش و صحبت به زبان دینی و قومی

مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی، با توجه به اینکه زبان و خط مشترک و رسمی ملت ایران، فارسی اعلام شده است؛ اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتاب‌های آموزشی درسی در مقاطع مختلف تحصیلی باید به زبان فارسی باشد. این مسئله مانع از انتخاب آموزش و تدریس زبان‌های دیگر نیست؛ چرا که طبق بند اخیر اصل مذکور، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آنها با حفظ و توجه به زبان فارسی، در مدارس آزاد بوده و هر منطقه و اقلیت‌ها می‌توانند نسبت به نیاز هم‌کیشان خود این فعالیت را داشته باشند.

۲-۲-۲-۲. آزادی در برپایی مراسم مذهبی

ماده ۱۸ اعلامیه جهانی یکی از مهمترین مواد درباره آزادی اقلیت‌ها اشاره دارد. این

ماده تصریح می‌کند: هر کسی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب بهره‌مند گردد، این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا باور و نیز آزادی اظهار مذهب یا باور به شکل آموزش، عمل به شعائر، نیایش و به‌جای آوردن آیین‌ها چه به تنهایی و چه به صورت جمعی نیز می‌گردد.

در اصل ۱۳ قانون اساسی ج.ا. ایران به آزادی و انتخاب برگزاری مراسم مذهبی تصریح شده و اعمال پیروان این سه دین با داشتن کلیساها، معابد و آتشکده‌های متعدد، مراسم و آیین‌های مذهبی خود را برگزار می‌کنند. البته در بعضی از مواقع نیز این قبیل مراسمات مذهبی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود.

افزون بر این ماده ۱۴۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (مصوب ۱۳۸۰)، هنگام پذیرش زندانی، دین رسمی او در برگه پرسش‌نامه ثبت و با توجه به تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و مراسم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق مسئولین زندان تجهیزات و تسهیلات مورد نیاز جهت انجام فرائض دینی آنها فراهم می‌شود.

ماده ۱۴۴ و ۱۴۵ همین آیین‌نامه تصریح می‌کند: هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد می‌تواند در آسایشگاه عمومی یا انفرادی خود یک جلد کتاب آسمانی، کتاب دعا، سجاده نماز جهت انجام فرائض دینی خود نگه دارد. در صورت لزوم می‌تواند تقاضا نماید تا پس از موافقت رئیس زندان، نماینده مذهبی او در زندان حضور یافته و در اجرای آداب و مسائل مذهبی او را هدایت و ارشاد نماید.

بنابراین در ج.ا. ایران آزادی و انتخاب مراسم و شعائر دینی، امنیت اماکن و معابد مقدسه، حرمت شخصیت‌های روحانی، استقلال قضایی، فعالیت‌ها و کنش‌های اقتصادی و آزادی و انتخاب در روابط اجتماعی، به‌طور مساوی و یکسان برای همه اتباع تضمین شده است.

۲-۲-۳. حقوق مالی و اقتصادی

۲-۳-۱. آزادی در امور شخصی

طبق اصل ۱۳ قانون اساسی پیروان اقلیت‌ها درباره امور شخصی مطابق مقررات و

دستورات مذاهب خودشان عمل می کنند. طبق این اصل، کلیه وقایع، اتفاقات و امورات مدنی اقلیت‌ها، از جمله ازدواج، طلاق و ارث، که از جمله مهمترین وقایع شخصیه تلقی و تعریف می شوند، تابع مبانی و اصول فقهی دین و آیین آنهاست. طبق اصل مذکور، هر یک از اقلیت‌های دینی دارای چارچوب و آیین نامه احوال شخصیه مخصوص به خود هستند که در وقایع مدنی خود مطابق آن عمل می کنند.

۲-۲-۳. برابری و یکسان بودن دیه اقلیت‌های دینی و مذهبی با مسلمانان

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه ۱۳۸۲/۱۰/۰۶ لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص میزان دیه اقلیت‌های مذهبی را بررسی کرد که در این جلسه، مجمع با تأیید نظر مجلس شورای اسلامی، رأی به برابری و یکسان شدن دیه مسلمانان و غیرمسلمانان داد. این تبصره با تکیه و استناد به نظر رهبر معظم انقلاب، مطرح و تصویب شد.

۳. نسبت قاعده تعظیم شعائر الهی و حقوق اقلیت‌ها

با توجه به مستندات و مبانی قاعده تعظیم شعائر الهی که با محوریت آیه ۳۰ سوره حج و روایات متعددی که به عنوان مؤید آیه تعظیم شعائر بوده، این فهم جامع را می‌رساند که خداوند متعال در صدد است که هر کسی، هر چیزی و هر مسئله‌ای که نشانه‌ای از تعظیم و تکریم دین اسلام باشد، مورد توجه و اهمیت قرار گرفته و باید آن را به نسبت شرایط و موقعیت خود مورد تکریم و تعظیم قرار داده شود.

همچنین اقلیت‌های رسمی در جمهوری اسلامی ایران شامل کلیمیان، مسیحیان و زرتشتیان بوده و در قانون اساسی و مصوبات مراکز قانونی (مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام) جایگاه خاص و ویژه‌ای داشته و به تناسب جمعیت و اتباع خود دارای حقوق و مراکز مشخص دارند.

در نگاه اول وقتی به حضور و فعالیت اقلیت‌ها در جامعه اسلامی ایران توجه شود، تعدد مراکز آنها، تراکم جمعیتشان در بعضی از شهرها به حدی رسیده است که عرف

مخصوص خود را پیدا کرده‌اند و در سرنوشت و کنش‌های شهری و بعضاً کشوری تاثیر گذار هستند.

ج.ا.ایران با عنایت ویژه به قاعده تعظیم شعائر الهی توانسته است با تبیین مبانی اسلامی به‌عنوان منافع ملی برای جامعه اقلیت دینی، آنها را در راستای اهداف و آرمان‌های خود همراه کرده و نه تنها از ظرفیت آنها به نحو شایسته استفاده کرده، بلکه در عرصه سیاست خارجی و کنش‌های بین‌المللی از این توانمندی جهت تبلیغ و ترویج الگوی رفتاری خود بهره‌مند شود.

به بیان دیگر حضور و فعالیت اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی ایران نه تنها به‌عنوان تهدید بلکه فرصتی مغتنم به شمار می‌آید و این الگوی مدیریتی همان عمل به قاعده تعظیم شعائر الهی به‌عنوان الگوی رفتاری برای تعظیم و تکریم شعائر الهی است. در ادامه به نمونه‌های مهم از این سیاست رفتاری در قبال اقلیت‌های دینی و همراهی آنها نسبت به آرمان و اهداف جمهوری اسلامی در عرصه سیاست داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

۳-۱. مصادیق همزیستی مسالمت‌آمیز اقلیت‌های دینی در ج.ا.ایران

مواضع و سخنان رهبران و نمایندگان اقلیت‌ها در موضوعات مختلف، گواه این مطلب است. جامعه اقلیت‌ها همواره خود را جزئی جداناپذیر از ایران دانسته و نسبت به اتفاقات داخلی و خارجی که در سرنوشت و پیشرفت ج.ا.ایران تاثیر گذار است، احساس مسئولیت داشته و به آنها واکنش نشان داده‌اند. در طول چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی بیانیه‌های مختلف از جامعه اقلیت‌ها منتشر شده است که در نوشتار حاضر به اهم این موارد اشاره شده و بعضی از این بیانیه‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. پیام‌های تسلیت و محکومیت برای شهادت شخصیت‌های دینی و ملی

بیانیه ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ ارمانه ایران در خصوص حمایت قاطع از اقدامات دفاعی (عملیات وعده صادق ۱ و ۲) دشمن شکن نیروی‌های مسلح ج.ا.ایران: «رژیم کودک کش اسرائیل غاصب و حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای آن، علی‌الخصوص حامی اصلی

آن استکبار جهانی باید بدانند، ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان گذشته پس از پیروزی انقلاب هیچگاه آغازگر هیچ جنگی نبوده و نخواهد بود ولی در دفاع از حق مشروع خود حفاظت از منافع و تمامیت ارضی در مقابل هر تجاوز و تعرضی با صلابت و قدرت مثال زدنی کوتاه نمی‌آید و هر متجاوز شرور در هر سطحی را از کرده خود پشیمان می‌کند.

توسل جمهوری اسلامی ایران به خداوند یکتا و بعد از خویشنداری طولانی مدت، نشان دهنده رویکرد مسئولانه ایران نسبت به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در زمانی است که اقدامات غیرقانونی و نسل‌کشی توسط رژیم آپارتاید اشغالگر صهیونیستی علیه ملت فلسطین و تجاوزات نظامی مکرر این رژیم علیه لبنان و سوریه همچنان ادامه دارد.

جمهوری اسلامی ایران در صورت لزوم برای اتخاذ اقدامات دفاعی بیشتر و در برابر هر گونه اقدام تجاوزکارانه نظامی و استفاده غیر قانونی از زور، آمادگی کامل دارد و در این زمینه تردیدی به خود راه نخواهد داد.

ارامنه ایران ضمن حمایت همیشگی خود از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تقدیر از رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به مناسبت حضور به موقع در میان مردم و برگزاری نماز جمعه نشان از اقتدار ایشان در ترویج اعتماد و دادن روحیه به جامعه در هر شرایط بوده و همچنین این موفقیت بزرگ و مقتدرانه نیروهای مسلح و هوا فضای ایران که نشان از توانمندی و اقتدار این مجاهدان سرافراز بوده را خدمت رهبر فرزانه انقلاب و ملت سرافراز ایران تبریک و تهنیت عرض نموده و از مجامع بین‌المللی خواستار توقف رفتارهای خبیث کودک‌کشی ظالمانه و ترورهای خونخوارانه رژیم جعلی صهیونیستی بوده و نیز در خواست برقراری صلح و امنیت در همه جهان را خواستاریم»^۱ (www.vank.ir).

۱. شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران و شمال ایران، شورای خلیفه‌گری ارامنه اصفهان و جنوب ایران، شورای خلیفه‌گری ارامنه کل اذربایجان - تبریز و ارومیه، شورای خلیفه‌گری ارامنه کاتولیک ایران، گفارد منصوریان نماینده مسیحیان ارمنی اصفهان و جنوب ایران در مجلس شورای اسلامی، آرا شاوردیان نماینده مسیحیان ارمنی تهران و شمال ایران در مجلس شورای اسلامی.

۲-۱-۳. تکریم و حضور در راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و حضور پر

شور در انتخابات ریاست جمهوری و روز جهانی قدس

بیانیه پیشوای مذهبی ارامنه اصفهان و جنوب ایران به مناسبت چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

با درود به روان پاک شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و بنیانگذار انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام می‌افزاید: «انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز تحولی بنیادین در تاریخ معاصر این سرزمین بوده که با اتکا به ایمان، ایثار و وحدت اقشار مختلف مردم، مسیر استقلال و پیشرفت را هموار ساخت. جامعه ایرانیان ارمنی، به‌عنوان جزئی جداناپذیر از ملت بزرگ ایران، همواره در کنار هم‌میهنان خود، در مسیر آبادانی، توسعه و حفظ ارزش‌های والای انسانی گام برداشته و مشارکت در ساختن آینده‌ای روشن برای ایران عزیز تأکید دارد.

امروز نیز، در سایه همدلی و همکاری همه ایرانیان، می‌توان با اتکا به دانش، تلاش و اخلاق، گام‌های استواری در مسیر پیشرفت و سربلندی این سرزمین برداشت. امیدوارم این سالگرد خجسته، فرصتی برای تحکیم ملی و توسعه همه‌جانبه کشور باشد. با تبریك چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب و با آرزوی عزت و سربلندی برای ایران عزیز و تمامی هم‌میهنان گرامی، از درگاه خداوند بلند مرتبه برای این سرزمین، صلح، رفاه و کامیابی مسئلت دارم».^۱ (www.vank.ir)

۳-۱-۳. حمایت از نظام جمهوری اسلام و محکومیت حوادث تروریستی در کشور

(شاهچراغ - کرمان - سیستان و بلوچستان)

بیانیه ۱۳۹۷/۱۱/۲۸، انجمن کلیمیان تهران در محکومیت حمله تروریستی به اتوبوس سپاه پاسداران در استان سیستان و بلوچستان: «حادثه تروریستی در استان سیستان و بلوچستان که دو روز پس از همایش اتحاد و اقتدار ملت سرافراز ایران اسلامی با حمله

۱. اسقف اعظم سیان کاشجیان، پیشوای مذهبی ارامنه اصفهان و جنوب ایران.

انتحاری، موجب شهادت جمعی از حافظان مرزهای میهن عزیز و هموطنانمان به وقوع پیوست، موجب تأسف و تأثر فراوان جامعه کلیمیان ایران شد.

جامعه کلیمیان ایران ضمن محکوم کردن این حمله تروریستی اعلام می دارد؛ یقیناً این گونه اقدامات خرابکارانه و تروریستی که با هدف ایجاد تفرقه و نا امن کردن منطقه انجام می شود، محکوم به شکست بوده و راه به جایی نخواهد برد و تجربه نشان داده است این اقدامات نه تنها این مردم را از رسیدن به آرمان های انقلاب اسلامی سست نمی کند بلکه مقاوم و استوارتر از گذشته به راه خود ادامه خواهند داد^۱

(www.iranjewish.com).

نتیجه گیری

بررسی مبانی مفهومی پژوهش حاضر و تعریفی که از مفاهیم اقلیت ها، شعائر الهی، به عنوان پایه های این موضوع بود؛ چرا که مقدمه های بحث، تعریفی است که از مفاهیم اصلی بحث ارائه می شود. در قسمت مبانی نظری، با بررسی مدارک و مستندات قاعده تعظیم (آیات و روایات)، و تعریفی که مفاد و مدلول قاعده تعظیم ارائه می شود، بالتبع موارد و مصادیق تطبیق قاعده را تحت تاثیر قرار داده و مصادیق متفاوتی را در بر می گیرد. در بخش دوم مبانی نظری، جایگاه و حقوق مختلف اقلیت های رسمی (کلیمیان، مسیحیان و زرتشتیان) در جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر قانون اساسی و مصوبات قانونی پرداخته می شود. این حقوق، عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در بر گرفته و هر یک به نحو شایسته تبیین می شود.

در قسمت سوم مبانی نظری، با توجه به مفاد قاعده تعظیم که نسبت به هر نشانه و آیه ای که منسوب به خداوند متعال (اعم از حقیقی و اعتباری) اهمیت داده، تعظیم و تکریم آن را به عنوان یک وظیفه فردی و عمومی تعریف کرده است، از طرفی اقلیت های دینی و مذهبی با داشتن شخصیت حقوقی و قانونی خود جایگاه ممتازی پیدا کرده اند.

۱. رئیس انجمن کلیمیان تهران، دکتر همایون سامه یح نجف آبادی نماینده مجلس شورای اسلامی

ج.۱. ایران با توجه به الگوی ترسیمی خود که برگرفته از قواعد فقهی و آیات و روایت بوده، توانسته است رفتاری متناسب با اقلیت‌های دینی خود داشته و در سایه همزیستی مسالمت آمیز، آنها را در اهداف و آرمان‌های خود همراه کند.

بیانیه‌های رهبران دینی و مذهبی و شخصیت‌های حقوقی و قانونی اقلیت در حمایت از جبهه مقاومت و مبانی جمهوری اسلامی و همچنین شرکت در مراسمات و راهپیمایی‌های دینی و ملی، همگی گواه این مطلب است که حضور و فعالیت اقلیت‌ها در جامعه اسلامی ایران در راستای تعظیم شعائر اسلامی بوده است. از این رو حضور و فعالیت‌های دینی و مذهبی آنان هیچ گونه مخالفتی با قاعده تعظیم شعائر الهی ندارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

آریامنش، بشیر. (۱۳۹۰). حقوق اقلیت‌ها از منظر قانون اساسی و موازین بین‌المللی، مجله تعالی حقوق، ۴(۱۴، ۱۳)، صص ۸-۱۴.

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

اراکي، محسن. (۱۴۳۹ق). فقه الشعائر الاسلامیه. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

اسلامیان، محمد مهدی؛ مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۴۰۲). الزامات اجرای قاعده تعظیم شعائر الهی در عرصه‌های حکمرانی، فصلنامه حکومت اسلامی، ۲۸(۱۰۸)، شماره دوم، صص ۱۲-۱۸.

بجنوردی، سید محمد حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية. قم: نشر الهادي.

پروین، خیر الله؛ سپهری‌فر، سیما. (۱۳۹۳). حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی (با تأکید بر اماکن، دارایی‌ها و حقوق سیاسی)، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۷۳، صص ۹-۱۳.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین.

رحیمی، مرتضی. (۱۳۸۸). تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی در آئینه فقه اسلامی. آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۲، پیاپی ۳۱، صص ۱۰-۱۹.

سبزواری، سید عبد الاعلی. (۱۴۱۳ق). مذهب الاحکام (چاپ اول). قم: موسسه المنار.

صرامی، سیف الله. (۱۳۹۸). بازخوانی دلیل تعظیم شعائر؛ حکم، موضوع و متعلق. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، شماره سوم، ۲۸(۹۹)، صص ۱۶-۲۲.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. تهران: موسسه اعلمی، چاپ اول

علامه طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۰۳). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم، ج ۵، ۱۴). قم: موسسه نشر اسلامی.

طبرسی، علی بن فضل بن حسن. (۱۴۱۵). مجمع البیان. بیروت: نشر مکتبه العلمیه الاسلامیه.

- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۴۰۹). التبیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول). قم: مکتب اعلام اسلامی.
- عاملی، محمد بن الحسن الحر العاملی. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قاسمی، محمد علی. (۱۳۸۲). اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۵-۱۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الطبع والنشر.
- مدنی، علی خان بن احمد. (۱۳۸۴ق). الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول. مشهد مقدس: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی (چاپ چهارم). تهران: ادنا.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۶). حقوق بشر و راهکارهای آن. تهران: نشر اطلاعات.